

پیش‌بینی پرخاشگری بر پایه خشم مادران و ویژگی‌های شخصیتی دختران نوجوان پایه نهم شهر یزد

فرشته‌السادات سیدحسینی*

۱- کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

چکیده

پر خاشگری از جمله پدیده‌های نابهنجار دوره نوجوانی است که از شیوع قابل توجهی برخوردار است از این رو این پدیده به عنوان یک موضوع مهم در مطالعات روان شناسی و جامعه شناسی قرار گرفته است. بروز رفتار پر خاشگری در نوجوانان، همچون دیگر رفتارهای نابهنجار در این سنین، تاثیر بسزایی از مادران و شیوه‌های تربیتی و ارتباطی آنها می‌پذیرد. از این رو این پژوهش با هدف پیش‌بینی پر خاشگری بر پایه خشم مادران و ویژگی‌های شخصیتی دختران پایه نهم شهر یزد صورت گرفت. پژوهش حاضر یک مطالعه همبستگی بوده و جامعه مورد مطالعه کلیه دانش آموزان دختر پایه نهم شهر یزد بودند که بدین منظور ۱۷۷ دانش آموز با بهره گیری از روش تصادفی خوشه ای انتخاب شدند. خشم مادران با استفاده از پرسشنامه خشم اسپیلبرگر (۱۹۸۸) سنجیده شده و نمونه مورد نظر پرسشنامه پر خاشگری باس و پری (۱۹۹۲) و پرسش نامه پنج عامل شخصیت (neo-ffi-r) کاستا و مک کری (۱۹۹۲) را تکمیل نمودند. داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون در نرم افزار spss23 تجزیه و تحلیل شدند. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد پر خاشگری نوجوانان با خشم

مادران در سطح معناداری ($p < 0/01$) رابطه مثبت و معنادار دارد در حالی که رابطه معناداری بین پرخاشگری نوجوانان و ویژگیهای شخصیتی آنان مشاهده نشد. با توجه به این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که کنترل خشم مادران می‌تواند با کاهش پرخاشگری نوجوانان همراه باشد.

واژه‌های کلیدی: پرخاشگری نوجوان، خشم مادران، ویژگی‌های شخصیتی.

مقدمه و بیان مساله

امروزه بسیاری از خانواده‌ها از خشونت و پرخاشگری فرزندان خود شکایت دارند. آنها تمایل دارند که علت این رفتارها را بدانند و راه‌های پیشگیری و اصلاح رفتار رادر این زمینه به کار گیرند. خشم که یکی از عواطف متداول کودکان و نوجوانان است در اثر برخورد آنها به مانعی که بر سر راه هدفشان قرار گیرد حاصل می‌شود و به پرخاشگری که یک واکنش عمومی به ناکامی امیال است منجر می‌گردد (گلچین، ۱۳۸۱). از سویی خشم پرشورترین هیجان‌هاست که میتواند موجب قوی‌تر و نیرومند شدن آدم خشمگین گشته و احساس کنترل وی را کاهش دهد. کارکرد مثبت و فواید خشم در جرأت‌ورزی و واکنش به بی‌عدالتی‌ها نیز قابل‌انکار است. این هیجان در عین حال از انواع خطرناک هیجان‌هاست به طوری که هدف آن حتی می‌تواند نابود کردن موانع در محیط باشد (بقایی لاکه و خلعتبری، ۱۳۸۹). به همین دلیل، این مسئله توجه متخصصان به ویژه روانشناسان را به خود جلب کرده است. در طی سال‌های گذشته، پژوهش‌هایی به منظور یافتن علل خشم و تاثیرات آن در روابط بین فردی و شیوه‌های کنترل آن صورت گرفته است. تحقیقات نشان می‌دهند که خشم از جمله هیجان‌هایی است که والدین به طور معمول در فرایند تربیت فرزندان آن را تجربه می‌کنند (کلارک، نوآک و دوپری، ۲۰۰۲) بی‌تردید شیوع پرخاشگری در میان نوجوانان، زنگ خطر برای سیاست‌گذاران نظام تعلیم و تربیت است. این مشکل رفتاری به طور قابل ملاحظه‌ای بر عملکرد تحصیلی و حرفه‌ای نوجوانان تاثیر منفی گذاشته و احتمال ابتلا به بیماری‌های روانی و جسمانی را افزایش می‌دهد (عبدالخالقی، دواچی، صحبایی و محمودی، ۱۳۸۴). همچنین این اختلال رفتاری باعث ایجاد تصویر منفی در بین همسالان و آموزگاران، افت تحصیلی، ترک تحصیل،

مصرف مواد، بیماری و مشکلات دیگر می‌شود (اسپوزیتو، ۲۰۰۶) علاوه بر این، یافته‌های برآمده از پژوهش‌ها نشانگر آن هستند که کودکان و نوجوانان پرخاشگر در بزرگسالی هم به ادامه پرخاشگری تمایل دارند (لی، ۲۰۱۴). رفتارهای خشونت آمیز والدین نسبت به نوجوان می‌تواند به صورت‌های مختلف از جمله خشونت‌های روانی، محرومیت‌های عاطفی، تهدید، شرم‌نده کردن، تمسخر، بی‌توجهی عاطفی به نیازهای روانی، ناسزاگویی و خشونت‌های جسمانی و بدنی بروز نماید. کودکان و نوجوانانی که مورد بی‌مهری و محرومیت عاطفی قرار می‌گیرند رفتارهای تضادورزانه، خشونت آمیز و پرخاشگرانه از خود بروز می‌دهند (لاند و همکاران، ۲۰۱۶). اگر چه خشم هیجانی طبیعی و گاهی مفید است، ولی خطرهایی نیز به همراه دارد. وقتی خشم خارج از کنترل و مخرب باشد، می‌تواند به مشکلاتی در کار، روابط بین فردی و کیفیت کلی زندگی منجر شود. بررسی آمار و اطلاعات نشان می‌دهد که در چند دهه اخیر، خشم و پرخاشگری افزایش یافته است و شواهد تجربی زیادی آثار مخرب خشم را در روابط انسانی نشان داده اند (کوپ و لند برگ، ۱۹۹۲). با توجه به عوارض منفی و مخرب فردی و اجتماعی خشم در جایگاه یکی از هیجان‌های منفی، مسئله مهم مدیریت خشم است. در پژوهش‌های اخیر به هیجان خشم، سنجش و درک پیامدهای خشم و تاثیر مداخلات آموزشی توجه شده است (نواکو، رم و بلک، ۲۰۰۰). در زمینه کنترل خود، گسترش و توسعه روش‌های کنترل خشم و کنترل استرس بسیار حائز اهمیت است (آیوانیک، ۲۰۰۶). آثار ضعف و کاستی در مدیریت خشم، فراتر از ناراحتی‌های شخصی و تخریب روابط بین فردی است و به اختلال در سلامت عمومی، بروز ناسازگاری عمومی و پیامدهای زیان بار رفتارهای پرخاشگرانه منجر می‌شود و در صورتی که این هیجان نیرومند به درستی مهار نشود می‌تواند مانع موفقیت همه جانبه و کارکرد بهینه افراد، گروه‌ها و جوامع شود (نویدی و برجعلی، ۱۳۸۶). لذا خشم مهار نشده ویژگی بسیاری از اختلال‌های روانی و جسمی است. برای مثال تحقیقات نشان داده اند که خشم با شدت افسردگی، مصرف کوکائین، مصرف الکل و اقدام به خودکشی همبستگی داشته است. از طرف دیگر مشکلات جسمی چون دردهای عودکننده کمر، بیماری آترو سکروز قلبی و عروقی، دیس ریتمی قلبی از نوع فیبریلاسیون دهلیزی، افزایش فشار خون و چربی خون، کاهش توان وامدگی و کاهش احساس خوب بودن افراد نیز با خشم همبستگی

داشته اند. (شکیبایی تهرانی دوست، شهریور و آثاری، ۱۳۸۳). نظریه پردازان مختلف چشم اندازهای متفاوتی درباره ماهیت شخصیت انسان دارند. بنابراین چندان شگفت انگیز ناست که تا به امروز تعریف واحدی از شخصیت که مورد توافق همه نظریه پردازان روانشناسی است، وجود نداشته باشد (پروبن و جان، ۲۰۰۳).

شخصیت برای فروید یکپارچگی سه پایگاه روانی نهاد، من، فرامن در سازمان روانی است. در لغت نامه وارن تعریف شخصیت چنین آمده است: شخصیت بر جنبه‌های عقلی، عاطفی، انگیزشی و فیزیولوژیکی فرد گفته می‌شود به عبارت دیگر به مجموعه مولفه‌هایی که انسان را سرپانگه می‌دارد (مای لی، ۱۳۸۷). در این تعریف مجموعه عوامل در کنار هم قرار داده شده است اما اشاره ای به یکپارچگی این عوامل پیداننده است. شلدون، پویا بودن شخصیت را در تعریف خود مطرح نمود و آن را چنین عنوان کرد: "شخصیت یا سازمان یافتگی پویایی به جنبه‌های عقلی، عاطفی، انگیزشی و فیزیولوژیکی فرد می‌گویند." (کریمی، ۱۳۸۹).

پیرون وحدت یافتگی را همراه با جنبه‌های متمایز در تعریف خود برجسته می‌نماید. بدین صورت که شخصیت به وحدت یافتگی تام و تمام یک فرد همراه با ویژگی‌های افتراقی دایم مثل هوش و مزاج در رفتار اطلاق می‌گردد. (کریمی، ۱۳۸۹). هیلگارد شخصیت را الگوهای معین از رفتار و شیوه‌های تفکر می‌داند که نحوه سازگاری مشخص را با محیط تعیین می‌کند (پروبن و جان، ۱۳۸۱).

کتل با رویکرد تحلیل عاملی آن را پدیده ای می‌داند که به ما امکان پیش بینی رفتار شخص در یک موقعین معین را می‌دهد (اتکینسون، اتکینسون و هیلگارد، ۱۳۸۸).

میشل با رویکرد موقعیتی و رفتاری نگری که اتخاذ کرده، آن را الگوی متمایزی از رفتار می‌داند که سازش یافتگی هر فرد را با موقعیت‌هایش در زندگی مشخص می‌کند و ریخت‌ها و رگه‌های درونی شخصیت را به نفع عوامل موقعیتی کنار می‌نهد (مورگان، ۱۹۸۶).

آلپورت شخصیت را سازمان پویایی از نظام‌های روانی- فیزیولوژیک فرد می‌داند که افکار و رفتار او را مشخص می‌کند (شولتز و شولتز، ۱۳۹۰). بنابراین می‌توان شخصیت را " سازمان

پویا و نسبتاً پایداری که فرد را از دیگران متمایز کرده و امکان پیش‌بینی نسبی رفتار فرد را در موقعیت‌های معین فراهم می‌کند" تعریف کرد (آقا یوسفی، ۱۳۸۸).
لذا در پژوهش حاضر نگارنده در نظر دارد به این سوال پاسخ دهد که آیا خشم مادران و ویژگی‌های شخصیتی نوجوان، پرخاشگری را پیش‌بینی می‌کند؟

ادبیات و پیشینه تحقیق

- مدل پنج عاملی شخصیت

طبقه بندی چارچوبی نظام دار برای تمایز قائل شدن، نظم دادن و نام گذاری انواع گروه‌ها در یک علم است (جان و پروین، ۱۳۸۱). از جمله اهداف اصلی طبقه بندی‌های علمی، ارائه از حوزه‌های اصلی و غایب یک علم است که از طریق آن می‌توان تعداد زیادی از موارد خاص و منفرد را به جای بررسی جداگانه، به صورت (گروهی و متعاقباً) ساده تر، مورد بررسی قرار داد. علاوه بر اینکه، یک طبقه بندی به صورت عمومی پذیرفته شده است. می‌تواند تا حد زیادی فرآیند افزایش و انتقال یافته‌های تجربی را از طریق ارائه یک سیستم نامگذاری و واژگان استاندارد تسهیل کند (جان و سریو استاوا، ۱۹۹۹). خوشبختانه علی‌رغم وجود چنین دشواری‌هایی، می‌توان ادعا کرد پس از چندین دهه تحقیق، روان‌شناسان شخصیت در حال نزدیک شدن به یک وفاق عمومی در مورد ویژگی‌های شخصیتی انسان هستند: مدل پنج عاملی شخصیت (جان و سریو استاوا، ۱۹۹۹).

بر اساس این مدل، شخصیت از پنج بعد اصلی تشکیل شده است که عبارتند از: روان رنجور خوئی (N)، برونگرای (E)، انعطاف پذیری (O)، سازگاری (A)، وظیفه شناسی (C). حجم انبوهی از تحقیقات در زمان‌های مختلف و با ابزارهای و نمونه‌های متفاوت، اصلی بودن این پنج عامل را تایید کرده اند و نشان داده اند که هر پنج عامل مذکور از اعتبار همگرا و تفکیکی بین ابزار و بین ناظر خوبی برخوردارند و در طی تحول فرد نسبتاً پایدار می‌مانند. هر کدام از عامل‌ها یک بعد هستند نه یک گونه یا نوع (مانند تیپ‌های شخصیت) بدین معنا که تفاوت افراد در هر بعد و مولفه، تفاوت کمی و درجاتی است. در این مدل هر عامل از شش

مولفه تشکیل شده است که به صفات مختلف تحت پوشش آن عامل اشاره دارند (پروین و جان، ۱۳۸۱).

– ابعاد شخصیت در مدل پنج عاملی شخصیت مک کری و کاستا

رابرت مک کری (۱۹۴۹) و پل کاستا (۱۹۴۲) با مطالعه مستمر در مرکز پژوهش‌های پیری شناسی موسسه علمی تندرستی «مریلند» و با تکیه بر روش تحلیل عاملی به پنج عامل نیرومند در شناخت ویژگی‌های شخصیت انسان‌ها دست یافتند که هر کدام از این ۵ عامل در درون خود شش ویژگی خاص (جمعاً ۳۰ ویژگی) را شامل می‌شوند و در واقع پنج عامل معرفی شده را می‌توان «سوپر صفات» نامید (مایلی، ۱۹۸۵). مدل ارائه شده از سوی رابرت مک کری و پل کاستا به مدل پنج عاملی شخصیت مشهور است. این مدل شخصیت افراد را به پنج بعد بزرگ شامل روان رنجور خوئی، برونگرایی، انعطاف پذیری، سازگاری و وظیفه شناسی تقسیم می‌کند.

– روان رنجور خوئی (N)

موثرترین قلمرو مقیاس‌های شخصیت تقابل سازگاری یا ثبات عاطفی با ناسازگاری یا روان رنجور خوئی است. متخصصان بالینی انواع گوناگونی از ناراحتی‌های عاطفی، چون ترس اجتماعی، افسردگی و خصومت را در افراد تشخیص می‌دهند، اما مطالعات بی‌شمار نشان می‌دهد، افرادی که مستعد یکی از این وضعیت‌های عاطفی هستند، احتمالاً وضعیت‌های دیگر را نیز تجربه می‌کنند (مک کری و کاستا، ۱۹۹۲).

تمایل عمومی به تجربه عواطف منفی چون ترس، غم، دستپاچگی، عصبانیت، احساس گناه و نفرت مجموعه N را تشکیل می‌دهند و بیشترین آمادگی برای ناراحتی‌های روانشناختی را دارد. عواطف شکننده مانع از سازگاری می‌شود، هر چند مستعد داشتن علایق غیر منطقی هستند و کمتر قادر به کنترل تکانش‌های خود بوده و خیلی ضعیف‌تر از مردان و زنان با نمره بالا، با دشواری بیشتری با استرس کنار می‌آیند. همچنان که اسم این عامل نشان می‌دهد، بمارانی که به طور سنتی به عنوان نوروتیک تشخیص داده شده‌اند. کلاً نمره بالایی در خرده مقیاس N به دست می‌آورند (به عنوان مثال آیرنگ ۱۹۶۴ به نقل از کاستا و مک کری، ۱۹۹۲). اما مقیاس روان رنجور خوئی اندازه‌هایی همانند سایر مقیاس‌هایش یک بعد از شخصیت سالم را اندازه

می‌گیرد. نمرات بالا ممکن است نشانه احتمال ابتلا به برخی از اختلالات روانی در نظر گرفته شود و نمرات بالای N ممکن است از انواع مشکلات روان پزشکی باشد، اما زیر مقیاس با یک اختلال قابل تشخیص روایی همراه نباشد. به عنوان مثال یک فرد ممکن است اختلال شخصیت چند اجتماعی داشته باشد و نمره بالایی در N کسب نکند. وقتی که نمره فرد در مقیاس N پایین است، این فرد دارای ثبات عاطفی بوده و معمولاً آرام، معتدل و راحت است و قادر است که در مقایسه با افرادی که نمرات آنها در N فشارزاست، بدون آشفتگی یا هیاهو با موقعیتهای استرس آور روبرو شود.

- برونگرایی (E)

برون گراها جامعه گرا هستند، اما توانایی اجتماعی فقط یکی از صفاتی است که حیطة برون گرایی دارای آن است. علاوه بر آن دوست داشتن مردم، علاقه به شرکت در گروه‌های بزرگ و گردهمایی، با جرات بودن، فعال بودن و پر حرف بودن نیز از صفات برون گراهاست. آنها برانگیختگی جنسی و نیز تحریک را دوست دارند و متمایلند که بشاش باشند (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲).

بنا بر تعریف جان و سربو استارو (۱۹۹۹)، برون گرایی بیانگر وجود رویکردی پرانرژی به جهان مادی و اجتماعی در فرد هستند که ویژگی‌هایی چون مردم آمیزی، فعال بودن، قاطعیت و جرات را شامل می‌شود. سازش پذیری نشانگر جهت گیری اجتماعی و جامعه پسند در مقابل نگرش خصمانه نسبت به دیگران است، که ویژگی‌هایی چون نوع دوستی، خوش قلبی، اعتماد و فروتنی را شامل می‌شود. هر قدر که نشان دادن ویژگی‌های برون گراها آسان است، به همان اندازه نشان دادن ویژگی‌های درون گراها مشکل است. در برخی از توصیف‌های درون گرایی باید به منزله فقدان برون گرایی در نظر گرفته شود تا به عنوان ضد برون گرایی، از این رو افراد درون گرا خود دارترند تا غیر دوستانه، مستقل اند تا پیرو، یکنواخت و متعادلند تا تنبل، وقتی منظور این است این افراد ترجیح می‌دهند تنها باشند، شاید گفته شود این افراد کمرو هستند. خصوصیات گفته شده شاید در مواردی عجیب یا بعید به نظر برسند اما تنها به کمک تحقیقات متعددی بر آورده شده اند و موجب پیشرفت‌های مفهومی در مدل پنج عام گردیده اند (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲).

- انعطاف پذیری (O)

انعطاف پذیری راهی بزرگ به سوی هنر، هیجان، مخاطرات، تفکرات غیر معمول، تصویر سازی ذهنی، کنجکاوی و تجارب گوناگون است. به عنوان یک بعد اصلی شخصیت، انعطاف پذیری کمتر از N و E شناخته شده است. عناصر تجربه پذیری چون تصور فعال، احساس زیبا پسندی، توجه به احساسات درونی، تنوع طلبی، کنجکاوی ذهنی، استقلال در قضاوت، اغلب نقشی در نظریه‌ها و سنجش‌های شخصیت، ایفا نموده اند. اما به هم پیوستی آنها در یک حیطه وسیع و تشکیل عاملی از شخصیت به ندرت مطرح است. اشخاص تجربه پذیر هم درباره دنیای درونی و هم درباره ی دنیای بیرونی کنجکاو هستند و زندگی آنها از لحاظ تجربی غنی است. آنها مایل به پذیرش عقاید جدید و ارزش‌های غیر متعارف بوده و عمیق تر از اشخاص غیر منعطف، هیجان‌های مثبت و منفی را تجربه می کنند. زیر مقیاس‌های انعطاف پذیری عبارتند از: خیال پردازی، زیبا شناسی، احساس‌ها، اعمال، عقاید و ارزش‌ها (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲). این افراد قدرت تصویر سازی ذهنی بالا، دارای گنجینه واژگان غنی، ایده‌های جالب و بدیع، وقت خود را صرف تفکر به چیزها، کلمات سخت به کار بردن دارند.

- سازگاری (A)

بی شک صفت سازگاری برای بهتر به دست آوردن و نگهداری مردم ویژگی سودمندی است. این افراد به مراتب بهتر از افراد فاقد تطابق پذیری عمل می کنند و در مواجهه با موقعیت‌های سخت و متضاد، افکار مطلق استبدادی را بکار نمی گیرند. افرادی که تطابق پذیری دارند می توانند یک دانشمند، کارشناس، منتقد و سرباز خوبی باشند. همانند برون گرایی، سازگاری بعدی از تمایلات بین شخصی است. افراد همساز به هم حساس، همکاری، اعتماد کردن و حمایت‌های بین شخصی تمایل دارند. قطب مقابل مسئولیت پذیری، عدم مسئولیت پذیری است. این افراد اشخاص بی اعتماد، شکاک، فاقد هم حساسی، کله شق و خشن هستند (لیبرت و لیبرت، ۱۹۹۸). زیر مقیاس‌های مسئولیت پذیری عبارتند از: اعتماد، صراحت، نوع دوستی، پیروزی، تواضع و دل رحم بودن (کاستا و مک کری، ۱۹۹۸).

- وظیفه شناسی (C)

کاستا و مک کری (۱۹۹۸) معتقدند که این عامل با کنترل تکانه‌ها و خویشن داری قدرت اراده و موفقیت ارتباط دارد. این صفت به نشان دادن خود انطباقی، عمل به وظایف و نائل شدن به موفقیت دلالت می‌کند. غلبه نقشه بر رفتار بی هدف و بی‌نظمی از ویژگی‌های این صفت محسوب شود. با این صفت محسوب شود. با این صفت می‌توانیم راهی برای کنترل، هدایت و تنظیم تکانه‌های خودمان پیدا کنیم. عمده‌ترین مساله مورد شمول صفت وظیفه شناسی عبارت است از ((نیاز به موفقیت)). آنها علی‌رغم موانع موجود، در رفع آنها مصرند و تمایل به دقت و کامل بودن دارند. وظیفه شناسی معمولاً با پشتکار و قابلیت‌های جسمانی مرتبط است. افراد فاقد این صفت از باریک بینی لازم، دقت و پاکیزگی زیاد اجتناب می‌کنند (لیبرت و لیبرت، ۱۹۹۸). زیر مقیاس‌های وظیفه شناسی عبارتند از شایستگی، نظم و ترتیب، فرمانبرداری، پیشرفت طلبی، خود نظم دهی و حسابگری مفید بوده و شاخص مناسبی برای پیشگویی عملکرد در بسیاری از مشاغل است. چرا که تمایل این افراد برای دستیابی به موفقیت بیش تر است. در ادامه به تحقیقات داخلی و خارجی که در ارتباط با این موضوع انجام شده است می‌پردازیم:

روزمند و هاشمی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان نقش کشمکش‌های والدین (پدر) در پرخاشگری فرزندان به این نتایج دست یافتند که تاکتیک حل تعارض پرخاشگری فیزیکی پدر پیش بینی کننده مثبت پرخاشگری بدنی، خشم و نمره کل پرخاشگری نوجوان است. تاکتیک حل تعارض پرخاشگری کلامی، صرفاً پیش بینی کننده مثبت خصومت نوجوان بوده است و تاکتیک استدلال پدران نیز، پیش بینی کننده منفی پرخاشگری (بدنی، خشم) نوجوان بوده است در مجموع یافته‌ها حاکی از آن بود که استفاده پدر از تاکتیک‌های مخرب بر پرخاشگری نوجوانان تأثیرات منفی دارد و تاکتیک سازنده استدلال، تأثیرات مثبت بر همین شاخص‌های سازگاری روانی دارد.

بهریزی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان رابطه علی خشونت فیزیکی و عاطفی والدین بامدیریت خشم و رفتارهای پرخاشگرانه کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله ای با میانجی‌گری رابطه والد-فرزند و همدلی به این نتایج دست یافتند که خشونت عاطفی

دارای اثر مستقیم معنی دار بر رفتار پرخاشگرانه و مدیریت خشم بود اما خشونت فیزیکی تنها دارای اثر مستقیم بر رفتار پرخاشگرانه بود.

یافته‌های براهیمی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان برآورد واریانس خشم و طرحواره‌های ناسازگار دانشجویان با الگوهای ارتباط خانواده نشانگر تاثیر چشمگیر الگوهای خانواده در طرحواره‌های ناسازگار و خشم دانشجویان است. به این معنی که خانواده‌ها با الگوی ارتباطی گفت و شنود از دید عاطفی حمایت کننده هستند بنابراین فرزندان افزون بر داشتن فرصت ابراز وجود، حمایت اجتماعی خانواده را احساس می‌کنند. وجود این شرایط توانایی مهار بیرونی و درونی را در فرزندان ایجاد می‌کند و این احساس مانع از مشکلات روانی و هیجانی مانند بروز خشم و پرخاشگری می‌شود.

کاتزوگاتمن در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند: والدینی که برای حل تعارض‌های خود شیوه‌های خصمانه‌ای به کار می‌برند، فرزندان دارند که از نظر معلمان آنها نشانه‌های رفتار ضد اجتماعی تر دارند (به نقل از برجعلی، ۱۳۸۰).

پژوهش‌های دیگری نظیر پژوهش‌های (لفکوویتز، ارون و هاسمن، ۱۹۷۷، پترسن، جی، آر، ۱۹۸۹) با تأیید بر ارتباط بین سبک‌های فرزند پروری و پرخاشگری عنوان می‌دارند تنبیه بدنی به خصوص اگر مکرر و بی حساب و کتاب اعمال شود موجب بروز پرخاشگری شدید و خصومت در فرزندان خواهد شد.

نتایج پژوهش نیکس و همکاران (۱۹۹۹) نشان می‌دهد که دریغ کردن محبت، اعمال قدرت، تنبیه بدنی و بی‌ثباتی با پرخاشگری رابطه دارد.

گرشوف (۲۰۰۲) در یک بررسی فراتحلیلی نشان داد که تجارب تنبیه بدنی در کودکان نافرمانی مقابله‌ای پیش‌بینی کننده رفتار پرخاشگرانه در دوره بزرگسالی و نوجوانی بوده و همچنین مانع رابطه مطلوب فرزند-والد می‌شود.

دانسور، بوکر و الندیک (۲۰۱۳) نشان دادند که احساسات منفی والدین به خصوص مادر نسبت به کودکان، پیش‌بینی کننده رفتار پرخاشگرانه، عدم ثبات هیجان و مشکلات اجتماعی بیشتری است.

اسپینازولا و همکاران (۲۰۱۴) طی پژوهشی با عنوان نقش بدرفتاری روانشناختی در سلامت روان کودک و نوجوان و نتایج آن نشان دادند سابقه بدرفتاری والدین (سوءاستفاده احساسی و یا بی توجهی عاطفی) نسبت به سوءاستفاده جسمی و جنسی با مشکلات رفتاری بیشتری در دوره نوجوانی کودکان نافرمانی مقابله‌ای همراه است.

همچنین لی و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند که آزار و اذیت کودکان به خصوص خشونت عاطفی، رابطه والد-فرزند را تخریب کرده که همین امر رفتار پرخاشگرانه بیشتری را در نوجوانی و بزرگسالی پیش‌بینی می‌کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از منظر هدف، کاربردی و از نظر نوع پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده و در سال ۱۳۹۶ انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها برای سنجش خشم از پرسشنامه باس و پری استفاده گردید. این پرسشنامه مرکب از ۲۹ عبارت است که چهارگونه از رفتارهای پرخاشگرانه، یعنی پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت را ارزیابی می‌کند، پاسخ‌ها در این مقیاس براساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت {کاملاً شبیه من است (۵)، تا حدودی شبیه من است (۴)، نه شبیه من است نه شبیه من نیست (۳)، تا حدودی شبیه من نیست (۲)، به شدت به من شبیه نیست (۱)} محاسبه می‌شوند. همچنین برای اندازه‌گیری شخصیت از پرسشنامه شخصیت‌نوا استفاده شده است که این پرسشنامه یکی از آزمونهای شخصیتی است که بر اساس تحلیل عوامل ساخته شده است و از جدیدترین ابزارها در زمینه شخصیت است که توسط مک کری و کوستا در سال ۱۹۸۵ تحت عنوان پرسشنامه شخصیتی NEO معرفی شد. فرم تجدید نظر شده این پرسشنامه توسط همان مولفین تحت عنوان فرم تجدید نظر شده پرسشنامه شخصیتی نئو ارائه شده است.

همچنین برای اندازه‌گیری شخصیت از پرسشنامه شخصیت‌نوا استفاده شده است که پنج عامل یا حیطه اصلی روان‌نژندی، برونگرایی، انعطاف‌پذیری، دلپذیربودن و مسئولیت‌پذیری در آن طراحی شده است. این پرسشنامه یکی از آزمونهای شخصیتی است که بر اساس تحلیل

عوامل ساخته شده است و از جدیدترین ابزارها در زمینه شخصیت است که توسط مک کری و کوستا در سال ۱۹۸۵ با عنوان پرسشنامه شخصیتی NEO معرفی شد.

در این تحقیق جامعه آماری مورد بررسی همه دختران پایه نهم دوره اول متوسطه شهر یزد در سال ۹۶-۹۷ هستند که تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۵۰ نفر به دست آمد. انتخاب گروه نمونه به دلیل پراکندگی جامعه مورد مطالعه به روش تصادفی خوشه ای چند مرحله ای انجام گرفت. به این صورت که از ۲ ناحیه آموزش و پرورش یزد، ناحیه ۲ به صورت تصادفی انتخاب شد. از بین دبیرستان های مقطع دوره اول، ۵ دبیرستان به صورت تصادفی انتخاب گردید و سپس پرسشنامه های پرخاشگری و شخصیت توسط ۲۵۰ نفر دانش آموز تکمیل و جمع آوری شد که نهایتاً پرسشنامه های قابل بررسی ۱۷۷ عدد بود. بنابراین ۱۷۷ دانش آموز نمونه پژوهش ما را تشکیل دادند.

پایایی و روایی مقیاس پرخاشگری، باس و پری در ایران توسط محمدی مورد سنجش قرار گرفت. ضرایب روایی میان ۰/۳۷ تا ۰/۷۸ متغیر بود و معنادار بودند و آلفای کرونباخ ۰/۸۹ نشان دهنده اعتبار پرسشنامه فارسی پرخاشگری باس و پری است.

پایایی و روایی پرسشنامه شخصیت در کشورهای مختلف جهان از جمله در ایران اعتبار یابی شده است. در ایران فرم بلند، توسط گروسی، مهریار و طباطبایی (۱۳۸۰) اعتباریابی شد و نتایج شبیه نتایج بدست آمده در آزمون در کاستا (۱۹۹۲) نشان داد که همبستگی ۵ زیرمقیاس فرم کوتاه یا فرم بلند از ۰/۷۷ تا ۰/۹۲ است. همچنین همسانی درونی زیرمقیاس های آن در دامنه ۰/۶۸ تا ۰/۸۶ برآورد شده است.

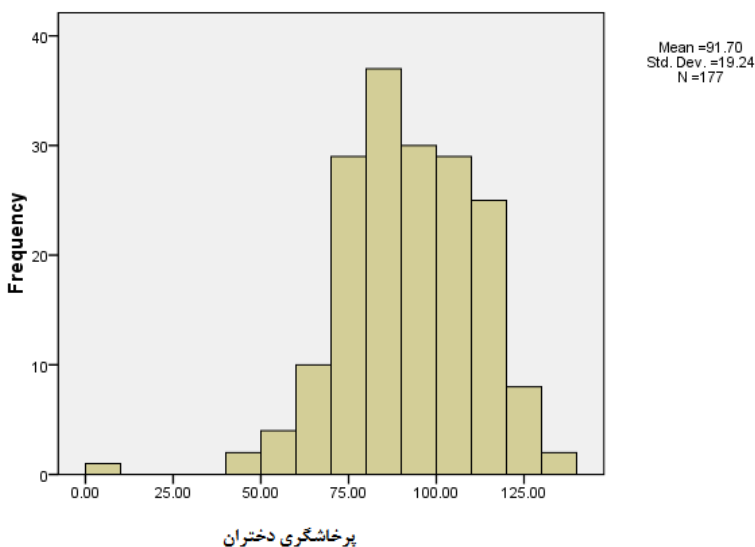
یافته های پژوهش

پس از جمع آوری داده های مورد نیاز، داده ها به دو روش مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند. ابتدا برای توصیف دقیق جامعه آماری مورد بررسی از آمار توصیفی (جداول فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی پس از اطمینان از نرمال بودن داده ها توسط آزمون کولموگروف اسمرینوف، آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون

چندگانه با استفاده از نرم افزار spss23 مورد سنجش قرار گرفته و به استناد آزمون‌های انجام شده نسبت به تایید یا رد فرضیات تصمیم‌گیری شده است.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی پرخاشگری دختران

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار
پرخاشگری دختران	۱۷۷	۹۱/۷۰	۱۹/۲۴

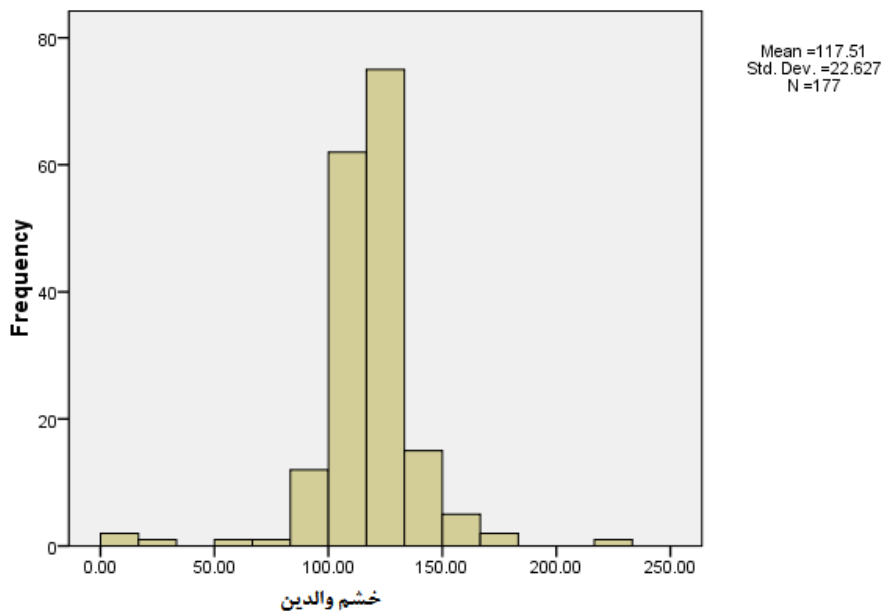


شکل ۱- هیستوگرام مربوط به متغیر پرخاشگری دختران

همانطور که از شکل و نمودار ۱ مشخص است میانگین و انحراف معیار نمرات پرخاشگری دختران به ترتیب برابر با ۷۰.۹۱ و ۲۴.۱۹ است.

جدول ۲- شاخص‌های توصیفی خشم والدین

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار
خشم والدین	۱۷۷	۱۱۷/۵۱	۲۲/۶۲



شکل ۲- هیستوگرام مربوط به متغیر خشم والدین

همانطور که از شکل و نمودار ۲ مشخص است میانگین و انحراف معیار نمرات خشم والدین به ترتیب برابر با ۵۱.۱۱۷ و ۲۲.۲۲ می باشد.

جدول ۳- شاخص های توصیفی ویژگی های شخصیتی

متغیر ویژگی های شخصیتی	تعداد	میانگین	انحراف معیار
روان آزرده گرایی	۱۷۷	۴۰.۱۸	۵.۰۸
برونگرایی	۱۷۷	۳۸.۷۵	۴.۳۹
گشودگی	۱۷۷	۴۰.۵۵	۴.۳۰
موافق بودن	۱۷۷	۳۵.۵۸	۵.۲۴
با وجدان بودن	۱۷۷	۳۸.۳۸	۵.۸۳



شکل ۲- نمودار مربوط به ویژگی‌های شخصیتی

همانطور که از شکل و نمودار ۴-۴۱ مشخص است بالاترین میانگین (۴۰.۵۵) مربوط به ویژگی شخصیتی گشودگی و پایین‌ترین میانگین (۳۵.۵۸) نیز مربوط به ویژگی شخصیتی موافق بودن است. برای بررسی ادعای وجود همبستگی بین دو متغیر کمی خشم والدین و پرخاشگری از تحلیل همبستگی استفاده می‌کنیم. همانطور که در جدول مشخص است ضریب همبستگی پیرسون و سطح معناداری و تعداد داده‌ها را نشان می‌دهد. بر اساس این خروجی از آن جایی که سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است (۰/۰۰۰) معلوم می‌گردد همبستگی بین این دو متغیر وجود دارد.

جدول ۴- همبستگی مربوط بین خشم والدین و پرخاشگری نوجوان

پرخاشگری نوجوان			
نتیجه نهایی	ضریب همبستگی	سطح معناداری	همبستگی
رابطه مستقیم	۰/۷۱	۰/۰۲۴	خشم مادران

برای بررسی ادعای وجود همبستگی بین دو متغیر کمی ویژگی‌های شخصیتی و پرخاشگری از تحلیل همبستگی استفاده می‌کنیم. همانطور که در جدول مشخص است ضریب همبستگی پیرسون و سطح معناداری و تعداد داده‌ها را نشان می‌دهد. بر اساس این خروجی از آن جایی که سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است (۰/۰۰۰) معلوم می‌گردد همبستگی بین این دو متغیر وجود ندارد.

جدول ۵- همبستگی مربوط بین ویژگی‌های شخصیتی و پرخاشگری نوجوان

پرخاشگری نوجوان			
نتیجه نهایی	ضریب همبستگی	سطح معناداری	همبستگی
عدم رابطه	۰/۰۵۷	۰/۴۴۹	روان آزوده گرایی
عدم رابطه	۰/۰۲۳	۰/۷۵۸	درونگرایی
عدم رابطه	-۰/۰۰۵	۰/۹۴۳	گشودگی
عدم رابطه	-۰/۰۵۱	۰/۵۰۱	موافق بودن
عدم رابطه	-۰/۰۷۳	۰/۳۳۴	با وجدان بودن

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر به منظور پیش بینی پرخاشگری نوجوان بر پایه خشم مادران و ویژگی‌های شخصیتی دختران نوجوان پایه نهم شهر یزد انجام پذیرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق تحلیل واریانس رگرسیون نشان می‌دهد که در سطح معناداری کمتر از ۵ درصد معنی دار است در نتیجه پرخاشگری نوجوان با خشم مادران رابطه معناداری دارد و از آنجا که ضریب همبستگی مقداری مثبت است مشخص می‌شود که رابطه مستقیم بین دو متغیر وجود دارد. این یافته با پژوهش‌های لی و همکاران (۲۰۱۶)، لین و همکاران (۲۰۱۴) و اسپینازولا و همکاران (۲۰۱۴) همسو است. همچنین بهروزی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان رابطه علی‌خسونت فیزیکی و عاطفی والدین با مدیریت خشم و رفتارهای پرخاشگرانه کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله ای با میانجی‌گری رابطه والد-فرزند به این نتیجه رسید

که خشونت عاطفی و فیزیکی مادران دارای اثر مستقیم معنی دار بر رفتار پرخاشگرانه نوجوان دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که رفتارهای خشونت آمیز مادران نسبت به فرزندان می‌تواند به صورت‌های مختلف از جمله خشونت‌های روانی؛ مثل محرومیت‌های عاطفی، تهدید، شرم‌نده کردن، تمسخر، بی‌توجهی عاطفی به نیازهای روانی، ناسزاگویی و خشونت‌های جسمانی و بدنی مثل کتک زدن، سوزاندن، ضربه زدن با اشیاء بروز پیدا می‌کند. مادرانی که از شیوه‌های مستبدانه مثل تنبیه بدنی، دستورات مستقیم بدون توجه کردن آن‌ها و تهدید و محرومیت استفاده می‌کنند احتمال پرخاشگری فرزند خود را افزایش می‌دهند و کودکان و نوجوانانی که مورد بی‌مهری و محرومیت عاطفی قرار می‌گیرند، رفتارهای تضادورزانه، خشونت آمیز و پرخاشگرانه از خود بروز می‌دهند. در نتیجه می‌توان گفت که مدیریت خشم توسط مادران به عنوان یک رفتار سازش یافته امکان تغییر رفتارهای کلامی و غیر کلامی و افکار و احساس‌های منفی نوجوانان را فراهم می‌کند.

همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق تحلیل واریانس رگرسیون نشان می‌دهد که در سطح معناداری کمتر از ۵ درصد بین ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان و پرخاشگری نوجوان رابطه معناداری وجود ندارند.

این یافته با پژوهش شعبانی بهار (۱۳۸۵) با عنوان مقایسه و بررسی ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و میزان پرخاشگری در ورزشکاران در رشته‌های منتخب ورزشی شهرستان همدان همسو است که مشخص شد بین خصیصه درون‌گرایی و برون‌گرایی و پرخاشگری در بین ورزشکاران رشته‌های بکس، تنیس روی میز، بدمینتون، فوتبال، بسکتبال و هندبال معنی‌دار نیست همچنین ضریب همبستگی بین خصیصه باثباتی و پرخاشگری در بین ورزشکاران رشته‌های بکس، بسکتبال، هندبال والیبال معنی‌دار نیست. همچنین این یافته با پژوهش مهتا اسکندر نژاد و همکاران (۱۳۹۵) تحت عنوان بررسی عوامل شخصیتی و تکانشگری در مردان فعال و غیر فعال شهر تبریز که نشان داده ابعاد تکانشگری با مولفه‌های گشودگی و برون‌گرایی شخصیت رابطه معناداری ندارد همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت کاستا و مک کرا (۱۹۹۲) پنج عامل بزرگ شخصیت را تمایلاتی معرفی کرده‌اند که زمینه زیستی دارد یعنی تفاوت‌های رفتاری مربوط به پنج عامل به ژن‌ها، ساختار مغز و مانند آن بر می‌گردد. این

تمایلات اساسی، آمادگی عمل و احساس به نحوی خاص است و به طور مستقیم تحت تاثیر محیط قرار ندارند. آن‌ها با طرح مجدد مسئله طبیعت در برابر تربیت، نظر خود را به این ترتیب بیان می‌کنند: «جان کلام این است که صفات شخصیت مانند خلق و خو، آمادگی‌های درونی در مسیر رشد بوده و اساساً مستقل از تاثیرات محیطی هستند» با توجه به شواهد مربوط به ارثی بودن تمایلات اساسی، تاثیرات محدود آن‌ها از والدین و مطالعاتی که در سایر فرهنگ‌ها و انواع موجودات شده است، مک کرا و کاستا معتقدند که شخصیت از یک رسش درونی نشأت می‌گیرد. با این دید، صفات شخصیت بیشتر متأثر از عوامل زیستی است تا محصول تجربه زندگی و شکوفایی تمایلات اساسی به وسیله محیط. به عنوان مثال تفاوت‌های اصلی بین درون‌گرایی و برون‌گرایی که اولین محور نظریه پنج‌عاملی هست، رفتاری نیست بلکه زیستی و ژنتیکی است و علت اصلی آن در سطح انگیزختگی مغزی آن‌ها است افراد برون‌گرا برخلاف افراد درون‌گرا، سطح انگیزختگی مغزی پایین‌تر و آستانه حسی بالاتر دارند، به تحریک حسی واکنش کمتری نشان می‌دهند و به خاطر پایین بودن سطح برانگیزختگی مغزیشان به تحریک نیاز دارند و به طور فعال آن را می‌جویند.

منابع

- ۱- براهیمی‌ن، خسروی، ص و صمیمی، ر. (۱۳۹۶). برآورد واریانس خشم و طرحواره‌های ناسازگار دانشجویان با الگوهای ارتباط خانواده. آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۳، شماره ۱، ص ۴۱-۵۶.
- ۲- برجعلی، ا. (۱۳۸۰). تحول شخصیت در نوجوان، تهران: انتشارات وراي دانش، چاپ اول.
- ۳- گلچین، م. (۱۳۸۱). تمایل به پرخاشگری در نوجوانان و نقش خانواده. مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی قزوین. شماره ۲۱.
- ۴- بقایی لاکه، م و خلعتبری، ج. (۱۳۸۹). اثربخشی برنامه آموزش مدیریت خشم بر کنترل و خودنظم دهی خشم و تکانشگری مادران دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی شهر رشت.

- پرستاری و مامایی جامع‌نگر (فصل نامه دانشکده‌های پرستاری و مامایی استان گیلان)، دوره ۲۰، شماره ۶۳، ص ۹-۱.
- ۵- عبدالخالقی، م، دواچی، ا، صحبایی، ف و محمودی، م. (۱۳۸۴). بررسی ارتباط بازی‌های ویدئویی-رایانه ای با پرخاشگری در دانش آموزان پسر مقطع راهنمایی. فصلنامه علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی تهران، دوره پانزدهم، ۳، ۱۴۱-۱۴۵.
- ۶- کریمی، د. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و عملکرد شغلی نیروهای پلیس. نشریه توسعه انسانی پلیس، دوره ۶، شماره ۲۵، ص ۲۵-۳۹.
- ۷- نویدی، ا، و برجعلی، ا. (۱۳۸۶). اثرات اجرای یک برنامه آموزش مدیریت خشم در مهارت‌های خودنظم دهی خشم پسران دبیرستانی. پژوهش‌های روان شناختی، ۳-۴ (۲۰)، ص ۵۸-۸۱.
- ۸- شکیبایی، ف، تهرانی دوست، م، شهریور، ز و آثاری، ش. (۱۳۸۳). گروه درمانی مدیریت خشم با رویکرد شناختی-رفتاری در نوجوانان موسسه ای. تازه‌های علوم شناختی، ۶ (۲)، ۵۹-۶۶.
- ۹- شولتز، د، شولتز، س. (۱۳۹۰). نظریه‌های شخصیت. ویراست هشتم. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر ویرایش.
- ۱۰- روزمند، نجمه و هاشمی، لادن (۱۳۹۳). نقش کشمکش‌های والدین (پدر) در پرخاشگری فرزندان، اولین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی و علوم رفتاری.
- ۱۱- بهروزی، ن، فرزادی، ف و فرامرزی، ح. (۱۳۹۵). رابطه علی خشونت فیزیکی و عاطفی والدین با مدیریت خشم و رفتارهای پرخاشگرانه کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله ای با میانجی‌گری رابطه والد- فرزند و همدلی. فصلنامه سلامت روانی کودک، دوره ۳، شماره ۳، ص ۴۳-۵۷.
- ۱۲- مای لی و ربرتو، ساخت، پدیدآیی و تحول شخصیت، ترجمه محمود منصور، چ پنجم، دانشگاه، ۱۳۸۷.
- 13- Costa, P. t. & McCrae, R. R. (1992). Revised NEO Personality inventory (NEO-PI-R) and new five factor Inventory (NEO-ffi) Professional manual, oedssa fi: Psychological assessment resources. .

- 14- Clark, R. , Novok, J. , & Dupree, D. (2002). "Relationship of perceived parenting practices to anger regulation and coping strategies in African-American adolescents". *Journal of Adolescence*, 25, 373.
- 15- Buss, A.H., & Perry, M. (1992).The Aggression Questionnair. *Journal of personality and clinical psychology*, 63, 452-459.
- 16- Clark, R. , Novok, J. , & Dupree, D. (2002). "Relationship of perceived parenting practices to anger regulation and coping strategies in African-American adolescents". *Journal of Adolescence*, 25, 373.
- 17- Esposito, S. E. (2006): Peer aggression among adolescent: characteristics of the rictims. Ph. D. dissertation, Retrieved from. [http:// www. Science direct. Com](http://www.ScienceDirect.com) .
- 18- Goldberg, Ir 1999. A broad-bandwidth, public domain, personality inventory measuring the lower-level facets of sevsral five factor models, *Personality psychology in erope*, vol. 7, pp. 7-28.
- 19- Lee J. (2014). Temperament, Parenting, and South Korean early adolescent's physical aggression: A five-wave longitudinal analysis. *Health Education Journal*, 73(3), 313-323
- 20- Libert, R. M. & Libert, I. I. (1998). *Personality sterategies and issue*. Pacific grove, brook Cole publishing company . .
- 21- Koop. C. E. , & Lundberg, G. D. (1992). Violence in America: A public heath emergency. *Journal of the American Medical Association*, 267, 3075-3076 .
- 22- Iwaniec, D. (2006). *The emotionally abused and neglected child*, 2nded. John wiley & Sons, Ltd.
- 23- Lefkowitz, M. M. Eron, L. D. Walder, L. O. ,&Husmann, L. R. (1977). *Growing up to be violent: A longitudinal study of the development of aggression*. New York. pergamon .
- 24- Gershoff, E.T. Corporal punishment by parents and associated child behaviors and experiences: Ameta analitic and theoretical review. *Psychol Bull*. 2002; 128(4): 539-579. .
- 25- Dunsmore, J,C, Booker, J,A, Ollendick, T,H.(2013). Parental emotion coaching and child emotion regulation as protective factors for children with oppqositional defiant disorder. *Soc dev*. 2013; 22(3): 444-466. .
- 26- Spinazzola J, et al. Unseen wounds(2014). The contribution of psychological maltreatment to child and adolescent mental health and risk outcomes. *Psychol Trauma*. 2014; 6(2): 18-28 .
- 27- Li L, Lin X, Chi P, Health MA, Fang X, Du H, Wang Z (2016). Maltreatment and emotional and behavioral problems in Chinese children with and without oppositional defiant disorder: The mediating role of the parent-child relationship. *J Interperviolence*. 2016; 12(1): 1-25.

- 28- Lin X, Li W, Li Z, Wang Z, Fan T, Liu Y(2014). Family relationship and family intractions among children with oppositional defiant disorder. *Journal Beij Normal Uni (Social Sciences)*. 2014; 3(11): 23-32 .
- 29- Lund JL, Day K L, Schmidt LA, Saigal S, Lieshout RJV. Adult mental health outcomes of child sexual abuse survivors born at extremely low birth weight. *Child Abuse Negl*. 2016; 59(11): 36-44.
- 30- Novaco, R.W., Ramm, M., & Black, L. (2000). "Anger treatment with offenders. In C. R. Hollin (Ed), *Handbook of offender assessment and treatment*. Chichester: Wiley.
- 31- Nix, G. A., Ryan, R. M., Manly, J. B., & Deci, E. L. (1999). Revitalization through self regulation: The effects of autonomous and controlled motivation on happiness and vitality. *Journal of Experimental Social Psychology*, 35, 266–284.

